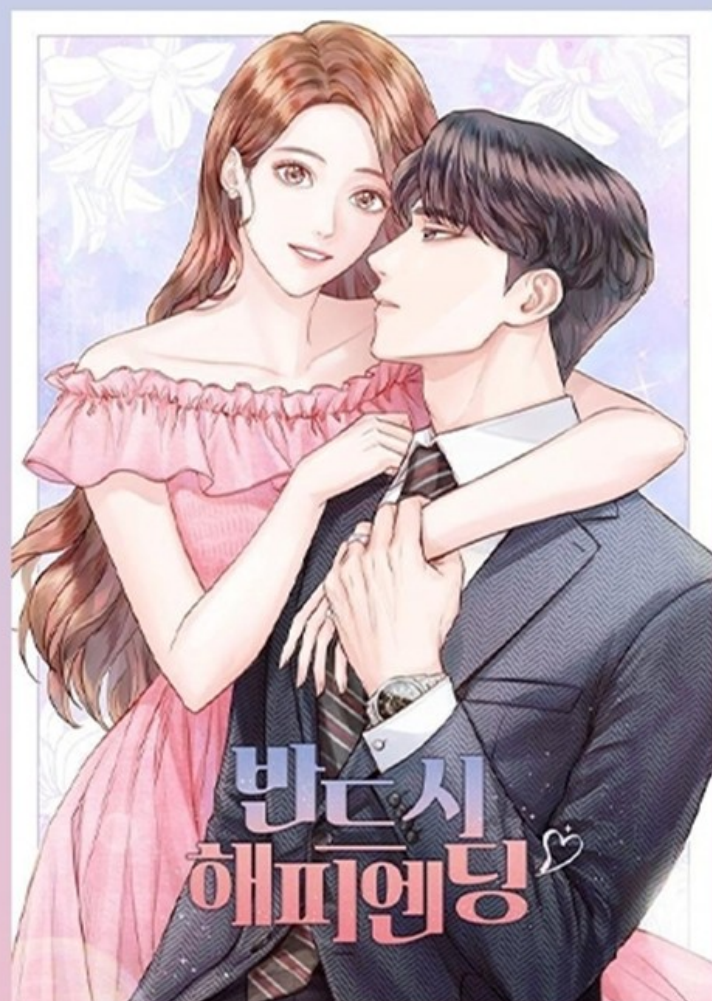




IRISEKAI



T.me/IrisSekai



instagram.com/IrisSekai

Evermore مترجم:

Mozhgan کاپتر:

ly تایپيست:

اصلا چجوری دفتر رو
پیدا کردی؟ من اونو
مخفی کرده بودم.





تو اونو مخفی کرده
بودی؟





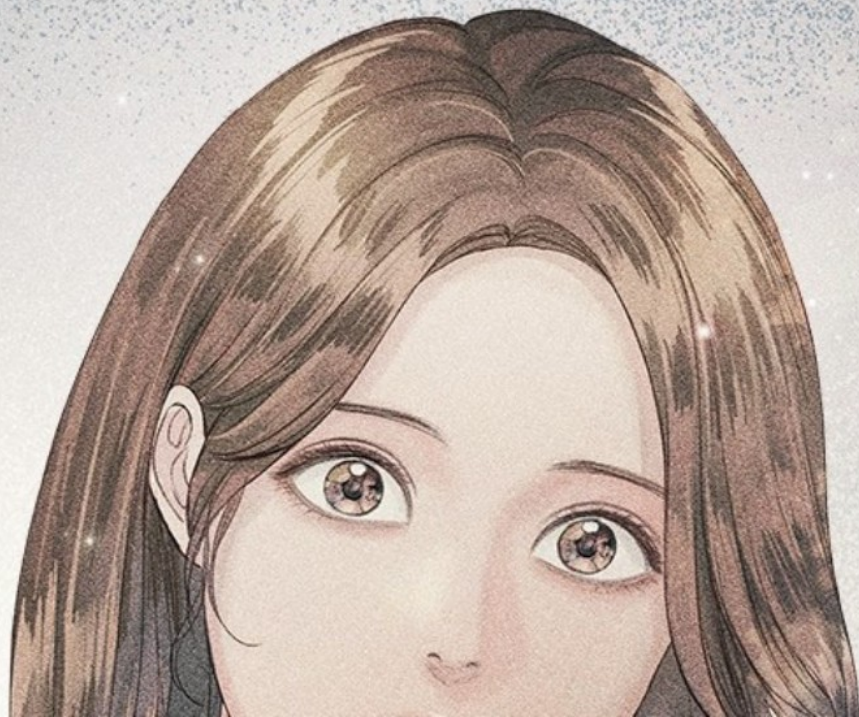
...این عجیبه.

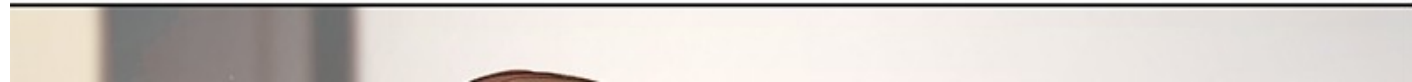


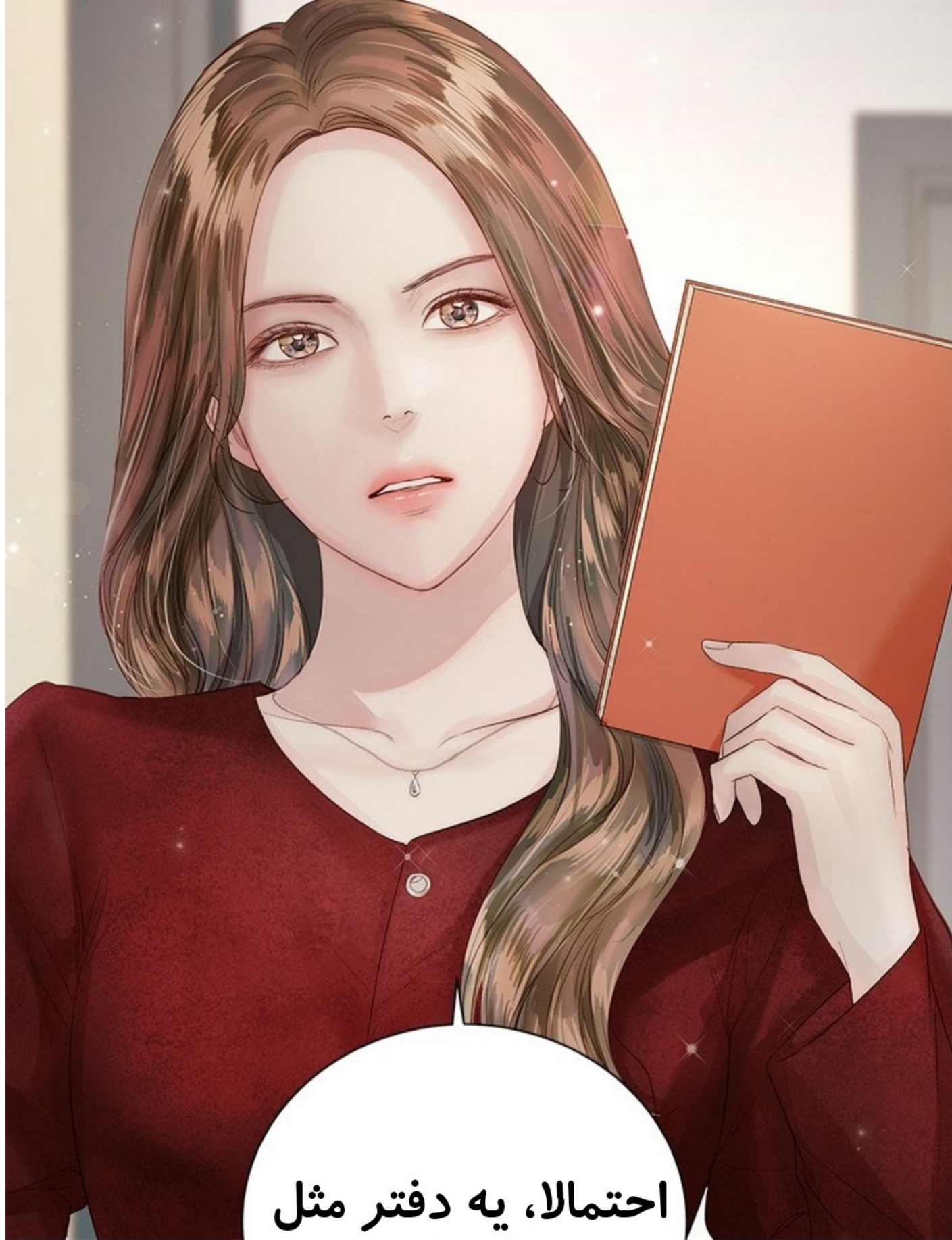
کشوی دراور باز بود، و

دفترت روی اون صفحه
باز مونده بود

انگار که از عمد بخواد
دیده بشه







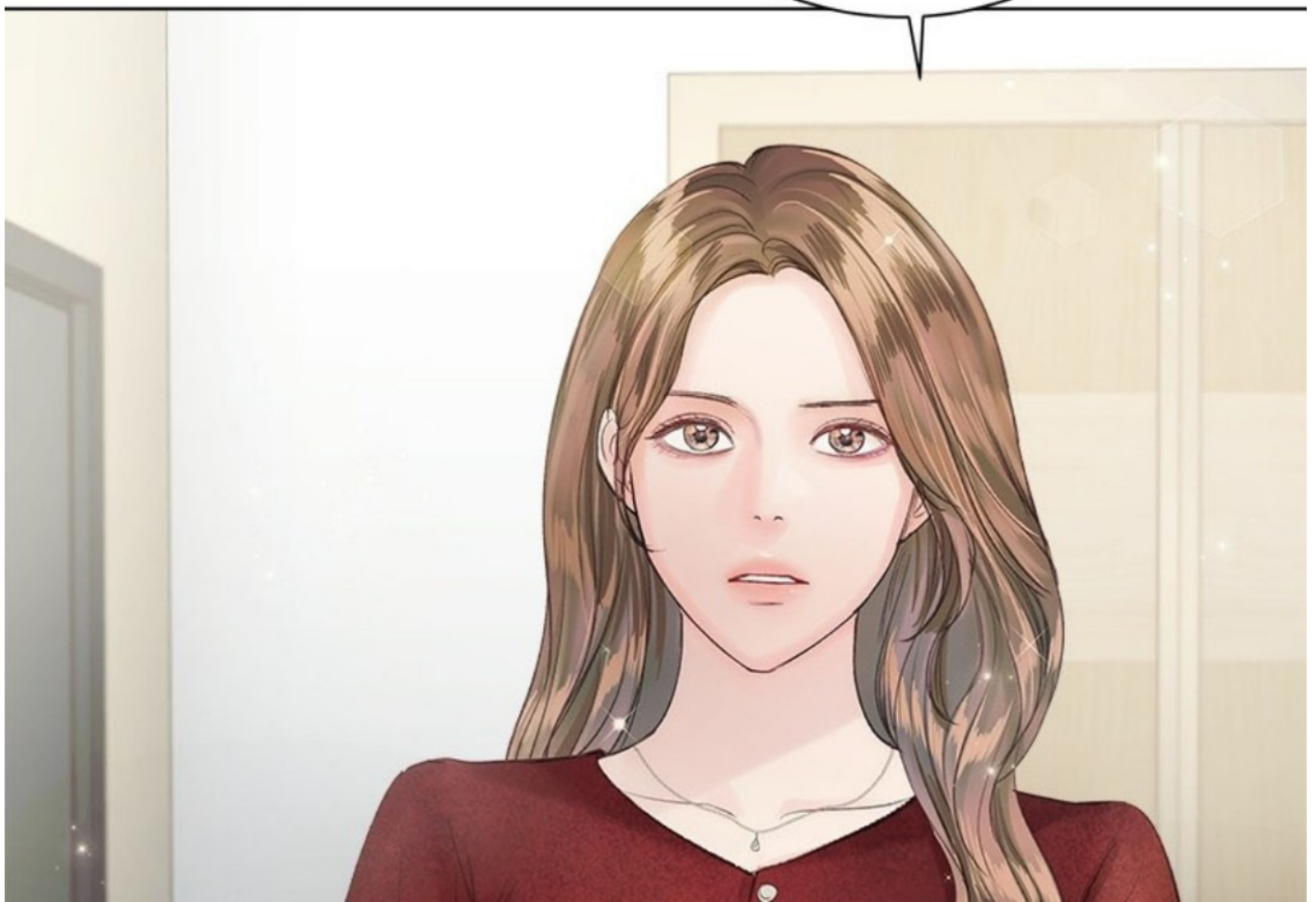
احتمالا، يه دفتر مثل
اين؟

خانم من فقط داشتم
تمیز میکردم و...



من ازت خواستم امروز
فقط اتاق نشیمن و آشپز
خونه رو تمیز کنی.

برای پیدا کردن چی
اینجارو میگشتی؟





و دلیلت برای گشتن چی
بود؟

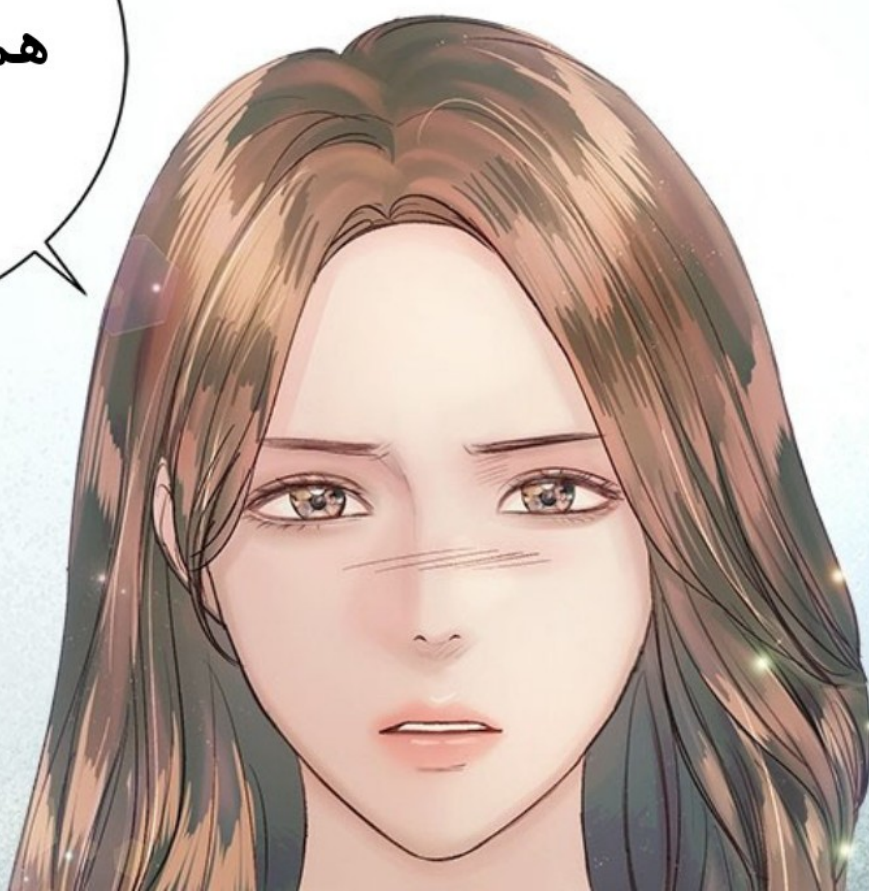
برای نشون دادن به اوک
سونگ هیه، درسته؟



FLINCH



همش کار تو بود؟





تو کسی بودی که رمز در
خونه ما رو به اوک سونگ
هییه گفته بود...

1 2 3
4 5 6
7 8 9
* 0 #



...و کسی که شایعه های غلط

درمورد رابطه ما پخش
کرد؟

خانم... نمیفهمم از چی
حرف میزنین.

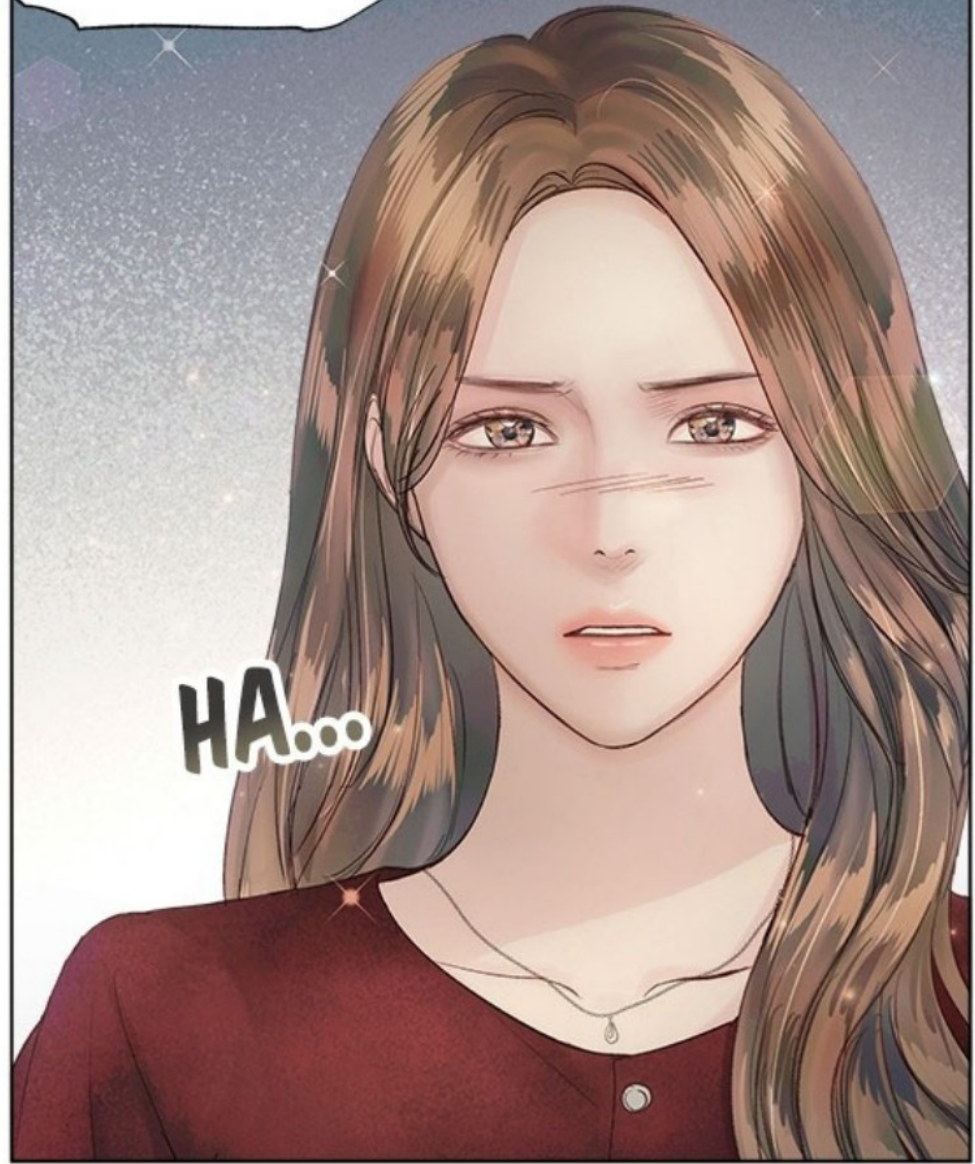


تمام کار که من کردم تمیز
کاری و مرتب کردن بود. مگر
این کار جرمه؟



چطور میتونید

منو یه مجرم نشون
بدید؟



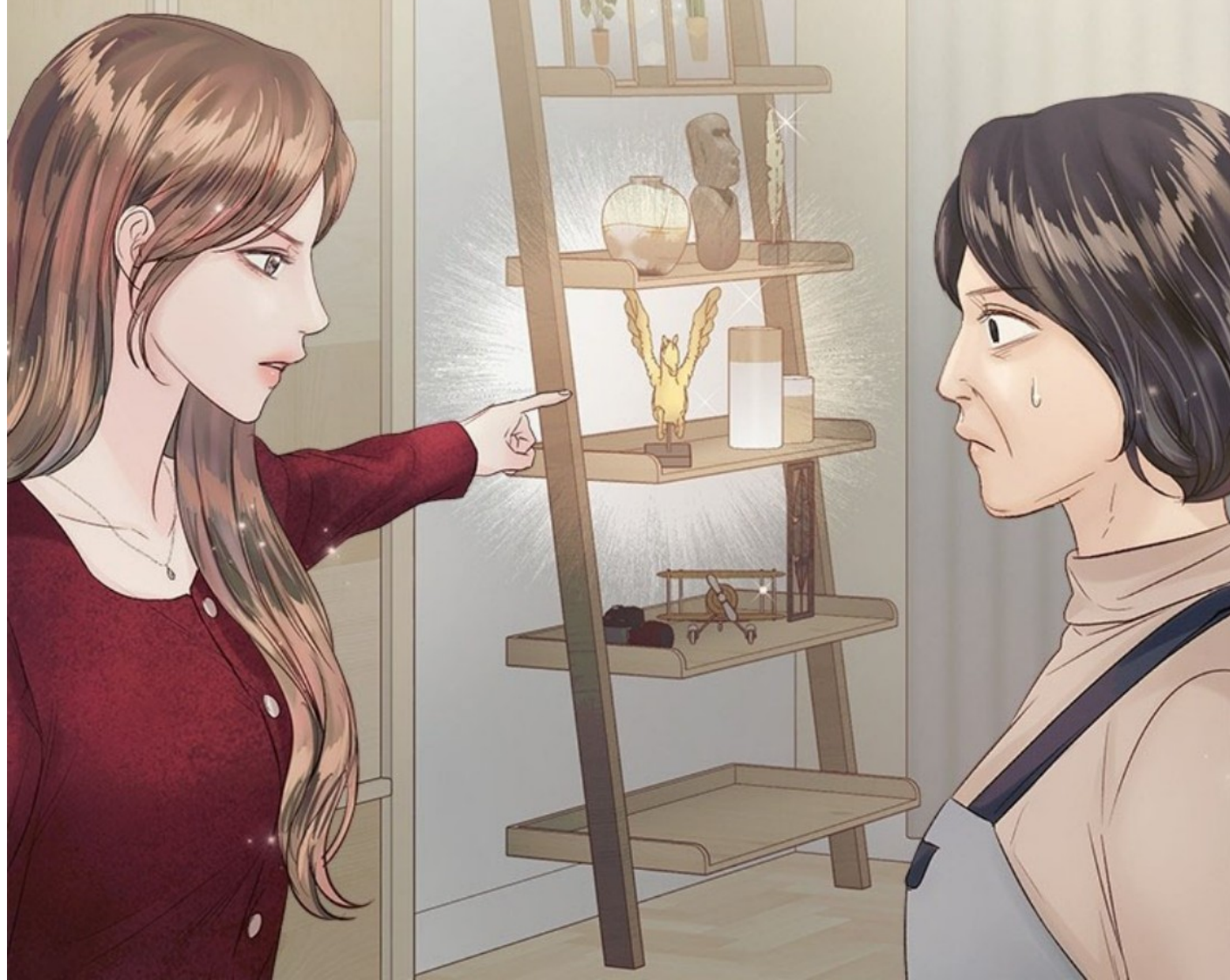
STEP

تو نمیتونی خودتو به اون
راه بزنی و کارتو توجیح
کنی.



چون تماسی که یکم پیش با
من داشتی...

و همه ی کارهایی که
توی این اتاق انجام دادی
ضبط شده.





من... من تلاش نمی‌کردم
که چیزی رو توجیح کنم.

شما نبودید که از من
خواستید این اتاق رو
تمیز کنم؟





همه ی کاری که من کردم
تمیز کردن این اتاق بود؛
همونطور که شما ازم
خواسته بودید.

من نمیدونم چه حرف
هایی ممکنه ضبط شده
باشه اما...





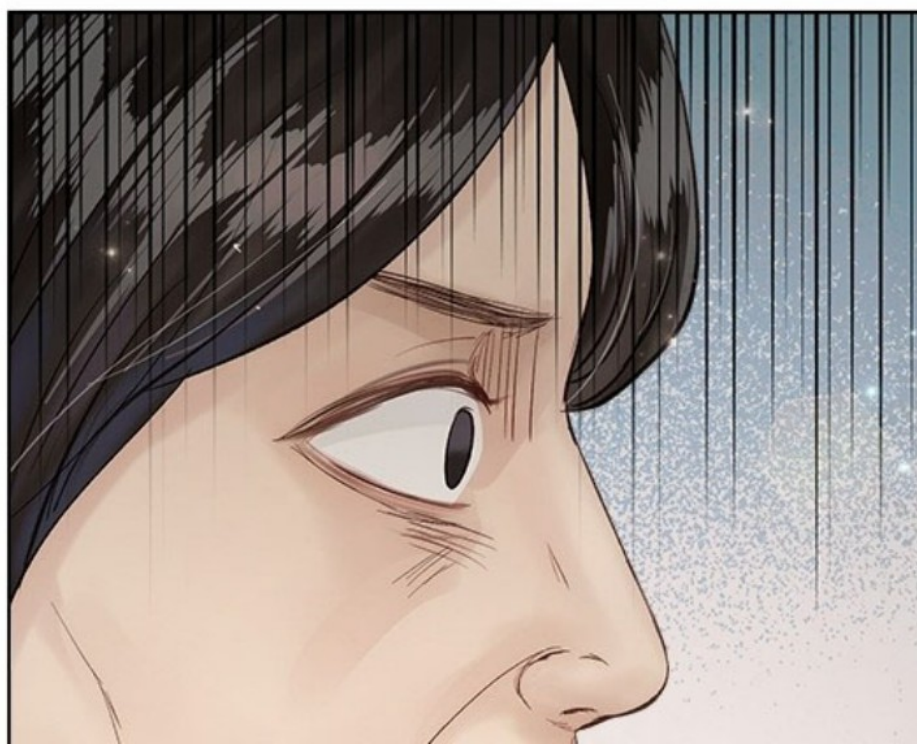
من واضح نشیروم که شما
گفتید می‌خواید "اتاق شما" و
اتاق نشیمن تمیز بشه

اینجا اتاق منه؟





من هیچ وقت نگفتم که
"این اتاق" مال منه .







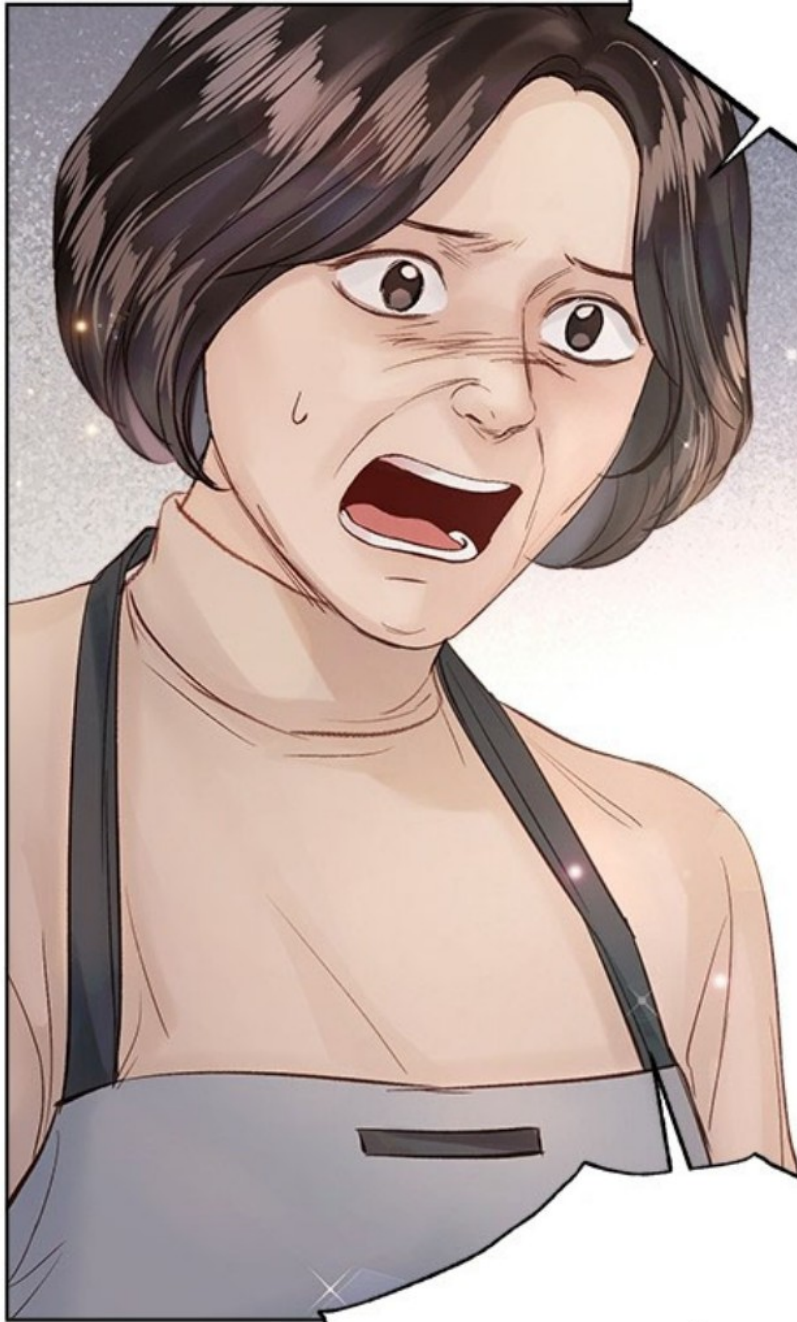
اگر می خوای همین بهونه
ها رو بیاری، من راهی
ندارم جز اینکه به پلیس
زنگ بزنم.

خانم شما نمی تونید این کار
رو بکنید.

من تو این فون به بیشتر

کار کردم

من می‌دونم که چطوری از
این عمارت مراقبت کنم
حتی بهتر از شما



اگر شما می‌خواهی که منو
افراجه کنی، باید با روش
محترمانه‌تر از این زورگویی
انجامش بدی





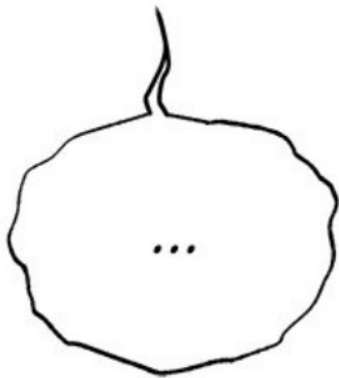
خانم نام

سعی کن آرام باشی و
دربارش فکر کنی.





این به نفعته که خودت
بگی کی بهت گفته این
کارو بکنی...



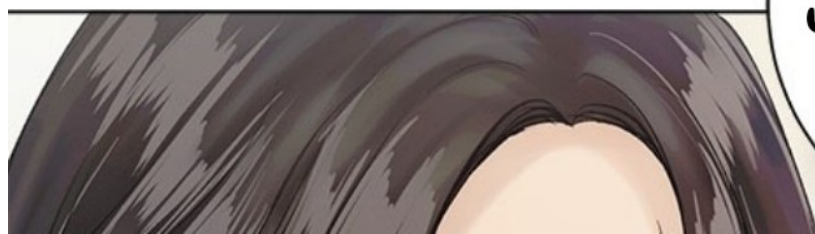
مگر اینکه، تو می خواهی
مسئولیت همه چیز رو
قبول کنی؟



می دونی که اینجوری فقط
کسایی که پشت این قضیه
بودن سود می برن.



اونا کسایی هستن که
هرگز بهت کمک نمی
کنن.





چون اونها از کمک کردن
به تو هیچ سودی نمی
برن.







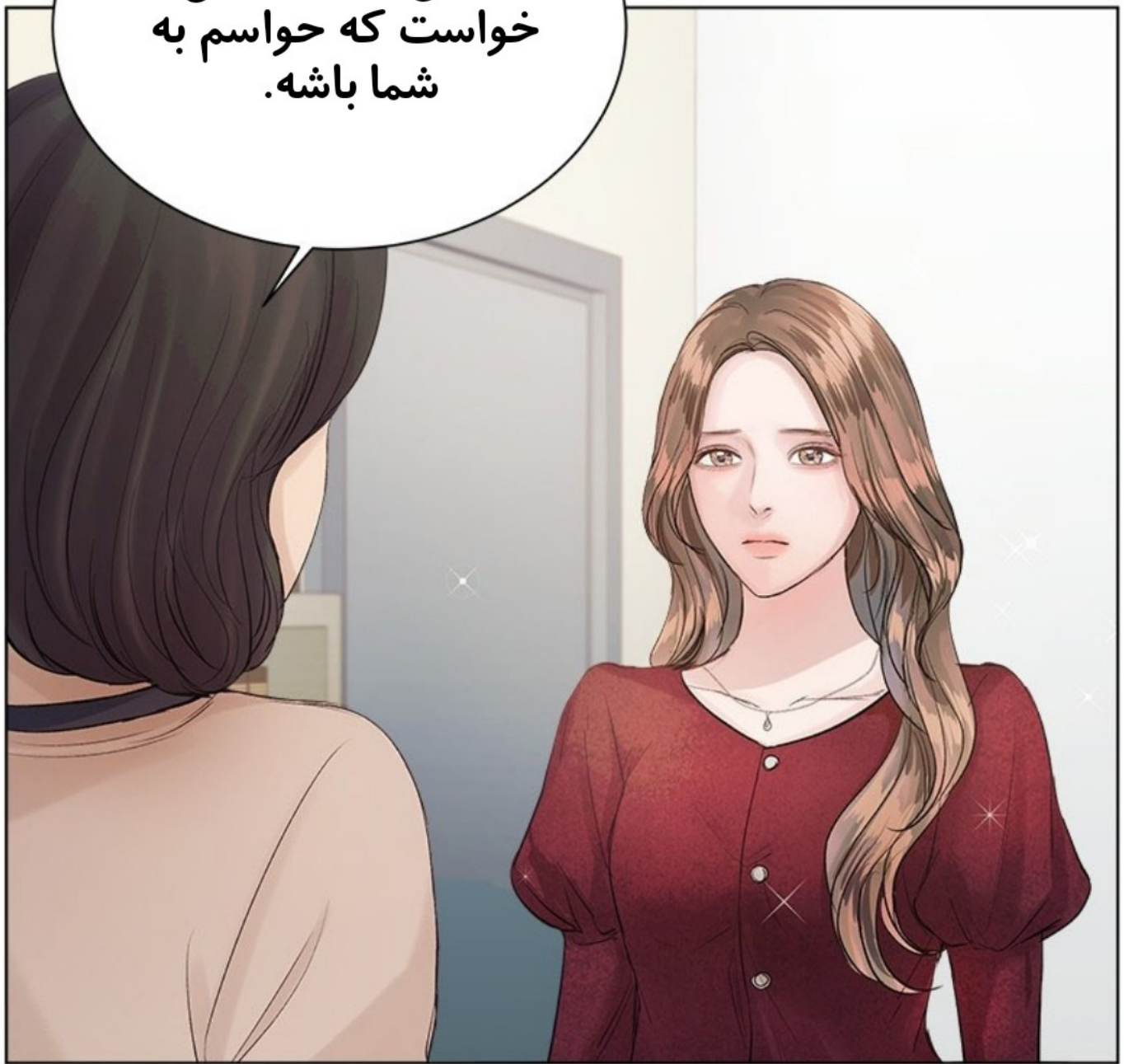
اون کسی بود که اول
سراغم اومد...

من اولش، درخواستش
رو رد کردم.



ولی بعد پسر م گفت که
می خواد توی آمریکا
درس بخونه...

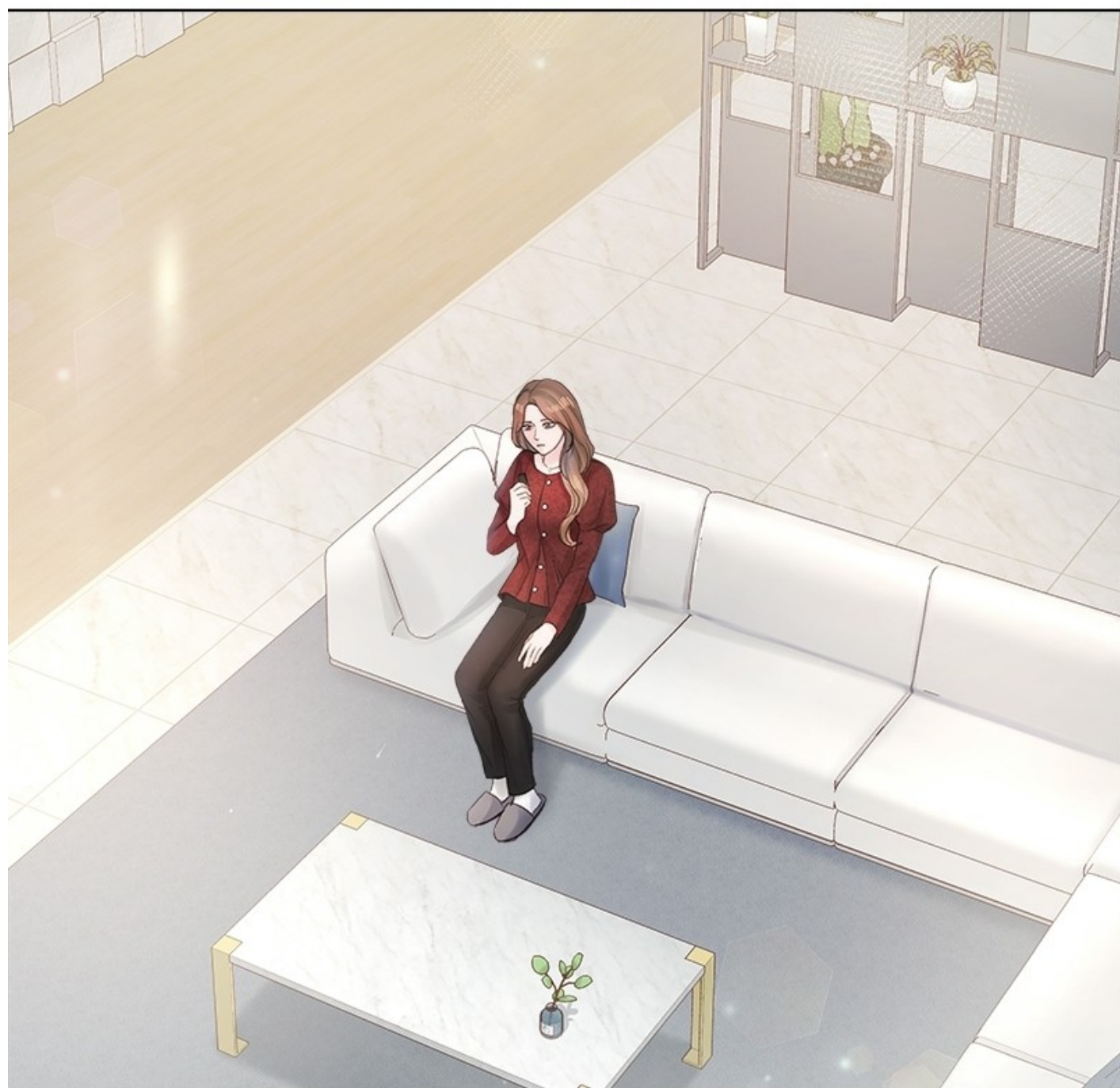
اولش اون فقط می
خواست که حواسم به
شما باشه.



اما کم کم، اون شروع کرد
چیز های بیشتری ازم
بخواد...







اون ارزش خواسته از پیه
تلفن یک بار مصرف
ارزونه و یک پیام رسان
رمز گذاری شده برای
ارسال عکس ها استفاده
کنه.



شاید اون سونگ هیه می
خواست وقتی که گیر افتاد
فقط خودشو نجات بده



اون زن خیلی حيله گره.

**خیلی وقته که ما قطع
رابطه کردیم.**





پس، برای چی اون این
همه کار های عجیب رو
برای اذیت کردن من
میکنه؟

قضیه ی خدمتکار آروم
شد اما...



من احساس می کنم این
هنوز آخرش نیست.



THERE MUST BE HAPPY ENDINGS





درباره خانم نام...

تو احساس ناراحتی
نمیکنی از اینکه
همینطوری بهش اجازه
دادی بره؟



اگر من جای تو بودم، یه
راست می دادمش دست
پلیس.

من بهش فکر کردم، اما
راهی نداشتم.

این میتونست یه مسئله
بزرگ برای ما بشه، اما
اون کارش واقعا یه
جنایت نبود.

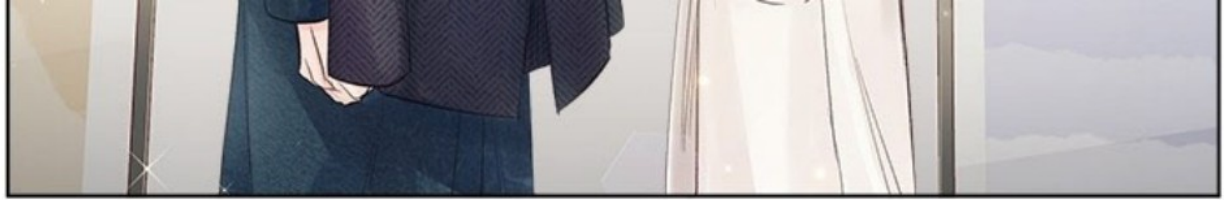


امروز تولد ۶۰ سالگی
پدرته...

و نمی خواستم داستانی
ازش در بیاد.

HMM.





درسته، حق با توئه. من به
قضاوت همسرم اعتماد می
کنم.





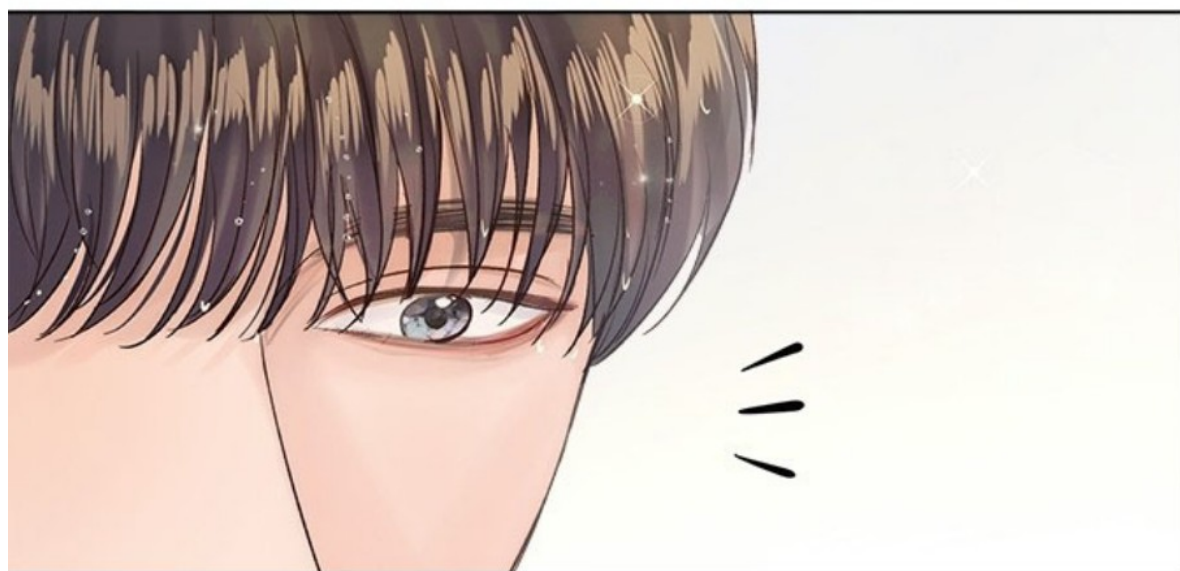
من امیدوارم خانم نام
ارزش لطفی که بهش
کردی رو بدونه.

اون که دوباره دیدن اوک
سونگ هیه نمی ره؛ یا
میره؟

من قبلا ازش خواستم که
دیگه این کار رو نکنه.

HMM.





اما، تو داری چکار می
کنی؟



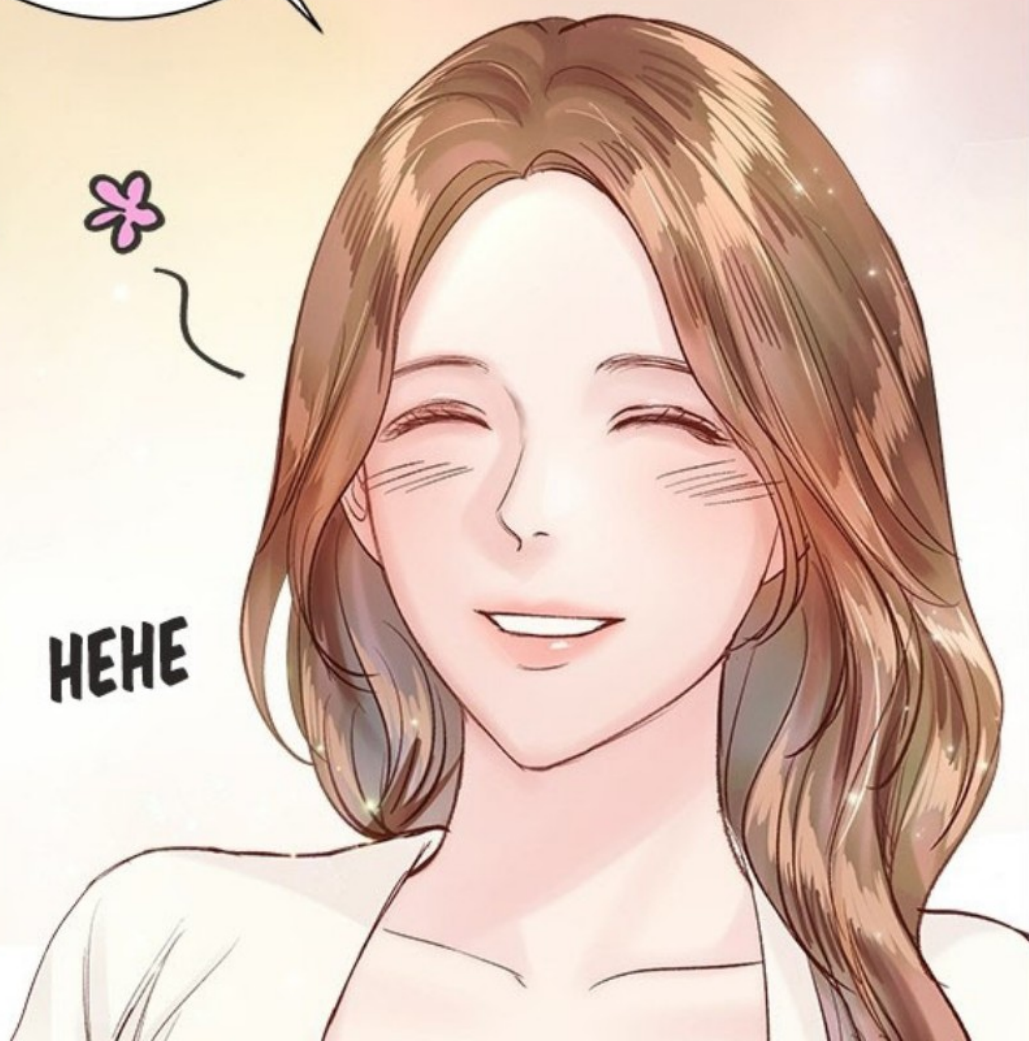
SERIOUS

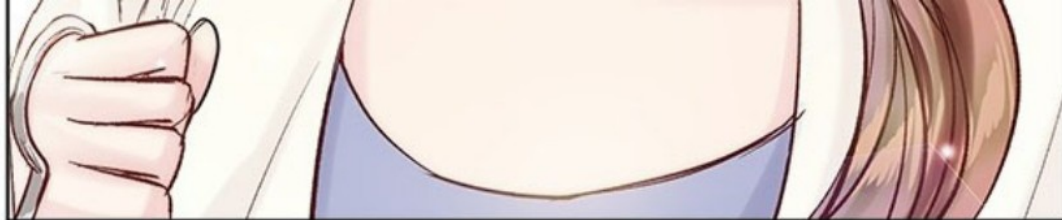


دارم ذوق می کنم که
صورتت رو می بینم...



HEHE





و چون قبول کردی باهام
بیای سالن.



من هم مهربونیت رو
پیشاپیش جبران می کنم.

چون توی سالن خسته و
بی حوصله میشی.

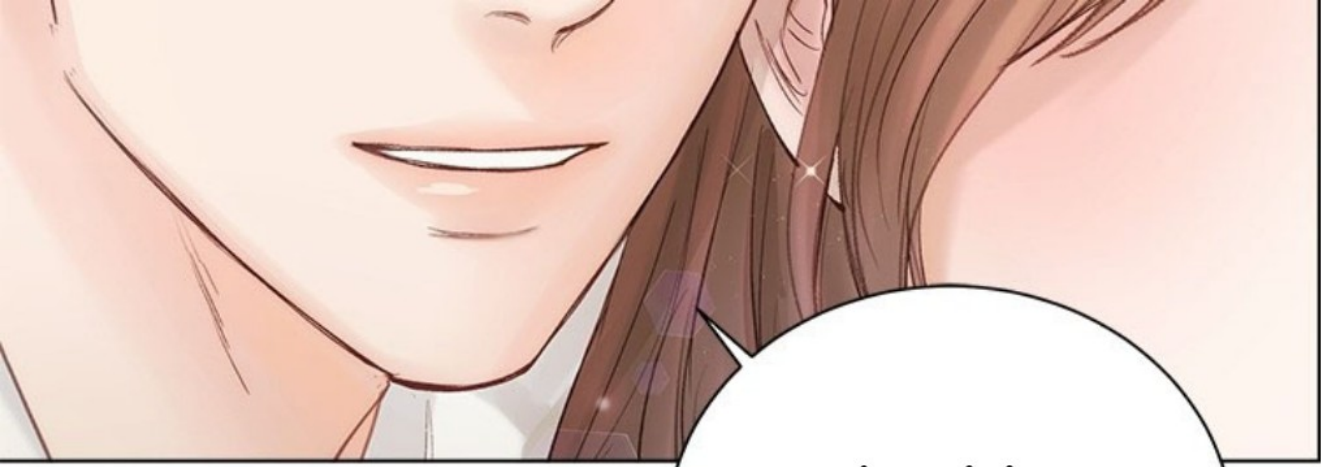




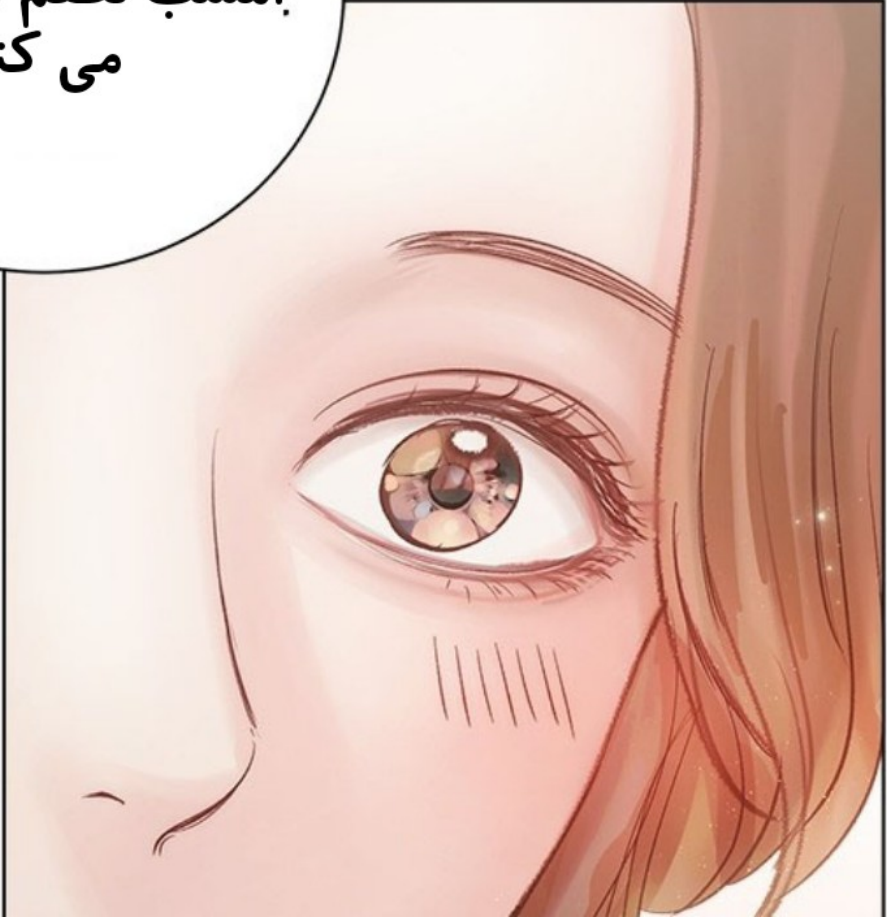


لازم نیست نگرانش
باشی.

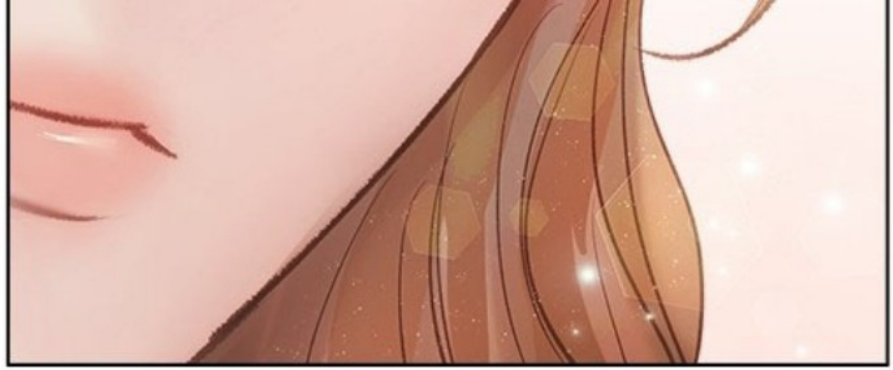




چون معامله برای من
سود بیشتری داشت.



امشب لطفم رو جبران
می کنی



تو می تونی خوات
لباستو بپوشی.

POW

HAHA



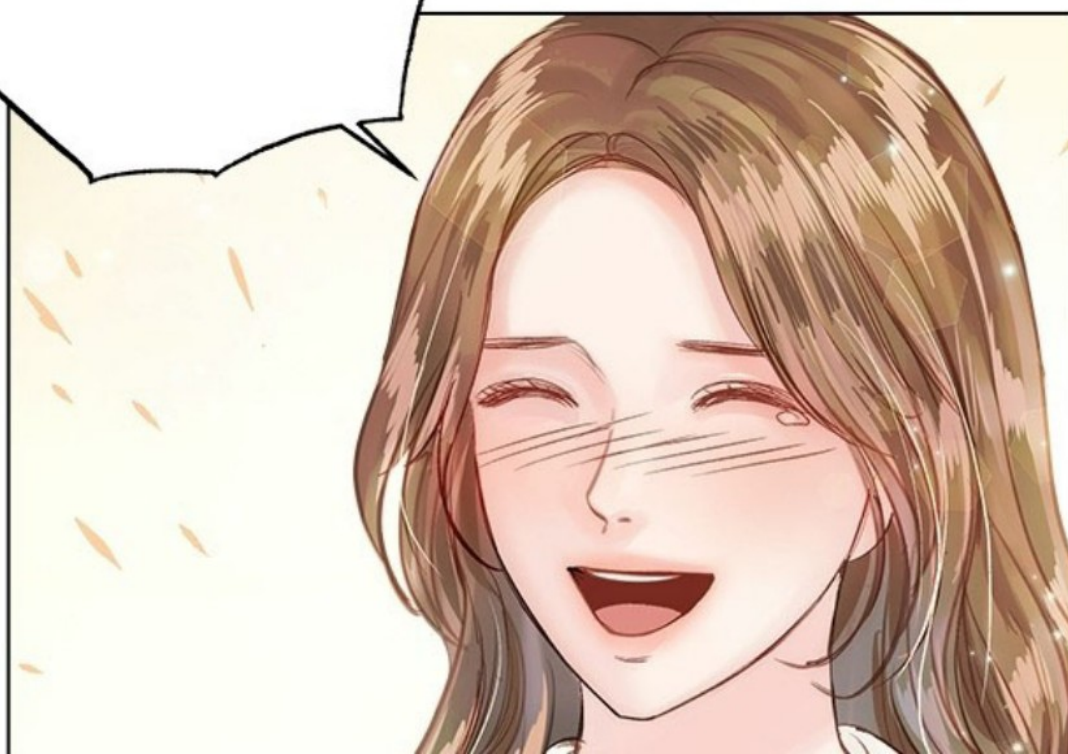
نه. من می خوام تو
لباس رو تنم کنی.







باشه. تو برنده شدی!







نمی دونم... چرا اوک
سونگ هیه اینقدر بهم
توجه می کنه.

این ناراحتت می کنه؟





اخيرا مشكلات زياد پيش
اومده.





این دفعه از شون گذشتیم،
اما حس می کنم این
آخرش نیست.





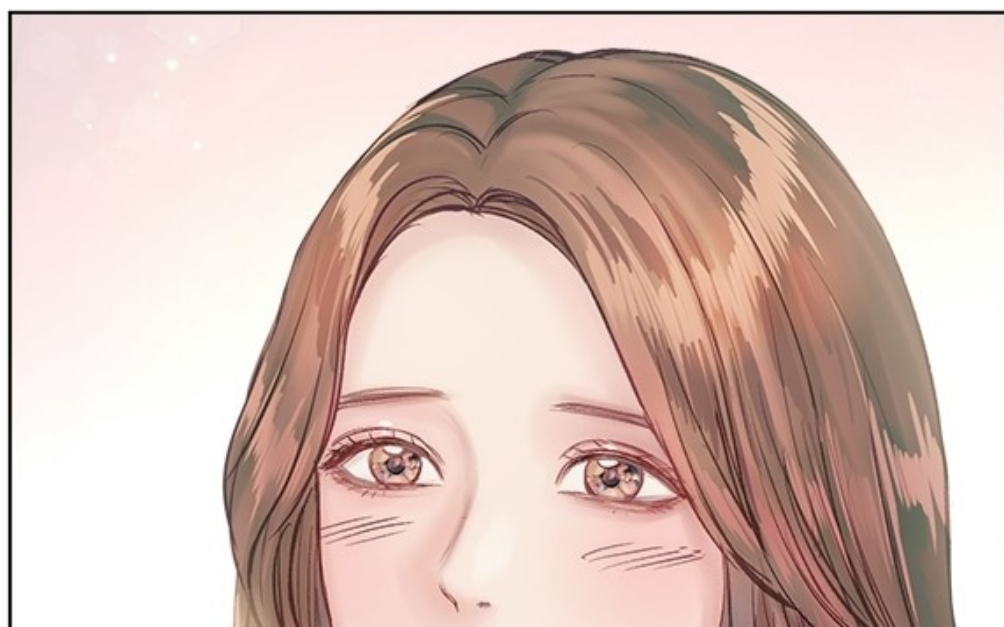
من اينجام.

KISS



هرچی که بشه من ازت
مراقبت می کنم.







من کسی ام که باید ازت
مراقبت کنه.

زود باش تا سریع آماده
باشیم، وگرنه دیر میرسیم.



ما باید بریم به سالن و
فروشگاه لباس یه سری
بزنیم.





باشه.







PHEW...



استرسی نشو. من کنارت
می مونم.

CREAK





CREAK





يكم عجيبه، عزيزم.





ها؟ چطور؟

احساس می کنم مردم
همش دارن به من نگاه
می کنن.





شاید چون تو خیلی
خوشگل شدی؟







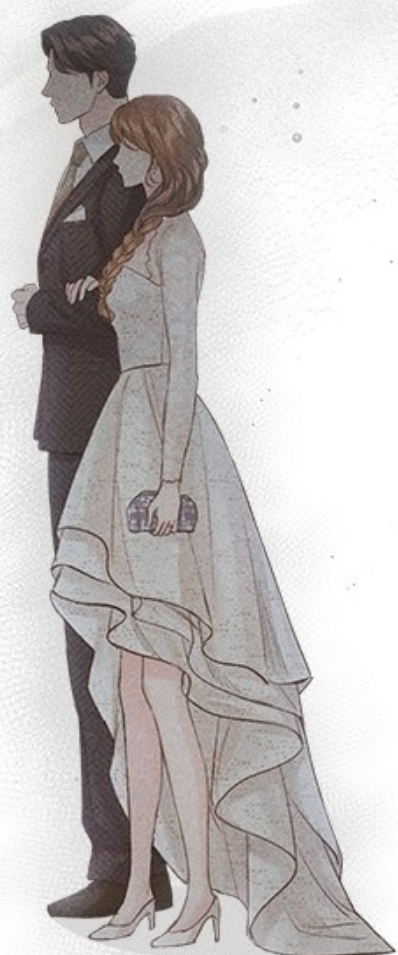
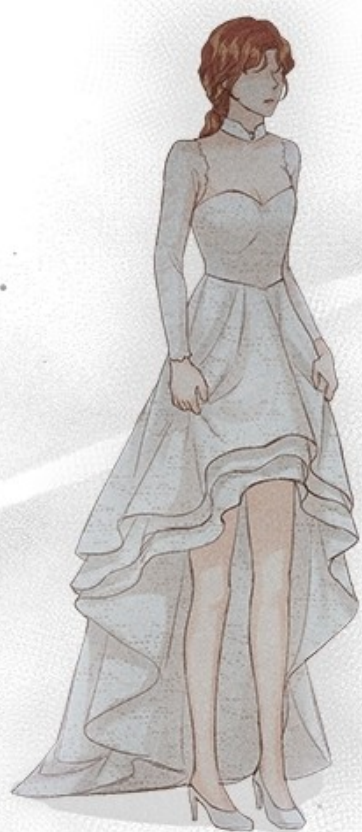


ہا...؟











جوین شدن
تو چنل لایک و
کامنت یادت نره